

متن خطابه هسه برای پذیرش جایزه نوبل ادبیات ترجمه صفدر تقی زاده

۲۲۱ هرمان هسه در سال ۱۹۴۶ به دریافت جایزه نوبل در ادبیات نایل آمد. او به علت بیماری، خود نتوانست در مراسم اهداء جایزه حضور یابد و وزیر مختار کشور سوئیس، هانری والوتن، متن خطابه او را در آن مراسم به شرح زیر قرائت کرد:

ما عمیقاً متأسفیم که هرمان هسه به علت بیماری در سوئیس مانده و در این مراسم حضور ندارد، اما یاد او همچنان با ما است و متن پیامی که از من خواسته آن را برای شما بخوانم، خود گویای مراتب سپاسگزاری اوست.

«بار سال سلام و درود صمیمانه و احترام آمیز به گردهم آیی و جشنی که برپا کرده اید.

پیش از هر چیز به اطلاع می‌رسانم که متأسفانه قادر نیستم شخصاً میهمان شما باشم و سلام و سپاس خود را به حضورتان تقدیم دارم. وضع سلامت من همیشه شکننده بوده است و مصیبت‌هایی که از سال ۱۹۳۳ بر من وارد آمده و کار و زندگی مرا مختل کرده و بارها و بارها وظایف سنگینی را بر دوشم نهاده، مرا به صورت آدم دائماً علیلی در آورده است، با این همه ذهن من شکسته نشده و احساس می‌کنم که با شما و با این عقیده شما که به بنیاد نوبل الهام



در برج کج پیرا، ۱۹۱۱، نقر سمت چپ همه، سمت راست شوک.

بخشیده همفکرم، اعتقادی که ذهن، جهانی و فرامیثی است و باید که نه در خدمت جنگ و نابودی که در خدمت صلح و آشتی باشد.

بالین همه، دلخواه من این نیست که ویژگی های ملی، کم رنگ شود و به صورتی درآید که به انسانیت عقلایی هم شکلی بینجامد. بر عکس، کاش که تنوع و گونه گونی همه شکل ها و رنگ های روی این زمین عزیز ما تا ابد پایدار بماند.

چه چیز باشکوهی است و وجود نژادهای بسیار، آدمهای بسیار، زبانهای بسیار و انواع نگرش ها و دیدگاههای بسیار! اگر من نسبت به جنگ ها و استیلاها و جهانگیری ها، احساس نفرت و خصومت آشتی ناپذیر می کنم دلایل بسیار دارد و نیز به این دلیل است که بسیاری از دستاوردهای به طور طبیعی رشد یافته و کاملاً فردی و واقعاً برجسته تمدن بشری، قربانی این نیروهای اهریمنی و سیاه شده اند. من از آثار ساده انگارانه متعدد بیزارم و عاشق مفاهیم کیفی والا هستم، عاشق صناعات تقلیدناپذیر و کیفیت یکتا.

از این رو در مقام یک میهمان و همکار قدرشناس، به سوند، به کشور شما، به زبانش و تمدنش،

به تاریخ غنی و افتخار آمیزش و به پشتکارش در نگهداری و شکل بخشیدن به فردیتش درود می فرستم. من هیچ گاه به سوئد نرفته ام اما چنددهه است که بسیاری چیزهای نیکو و مهر آمیز از سوی کشور شما نصیب من شده است؛ از زمانی که آن نخستین هدیه را از کشور شما دریافت داشته ام، از آن تاریخ اکنون چهل سال می گذرد. این هدیه کتابی سوئدی بود، نسخه ای از چاپ اول «افسانه های مسیح» که سلما لا گر لوف با تقدیم نامه ای شخصی به من اهدا کرد. طی این سالها، تبادل های ارزشمند بسیاری با کشور شما برقرار شده بود تا اینکه اکنون باین آخرین هدیه بزرگ خود مرا غافلگیر کردید. اجازه بدهید به این وسیله سپاس بی قیاس خود را به شما ابراز نمایم.» ♦ ♦ ♦





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی